

پرستش در آموزش



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دانیال ۳؛ مکاشفه ۱۴: ۶ تا ۱۲؛ مزمور ۷۸: ۱ تا ۱۷؛ یوحنا ۴: ۷ تا ۲۶؛ اول تواریخ ۱۶: ۱ تا ۳۶؛ مرقس ۷: ۱ تا ۱۳.

آیه حفظی: «وصف جلال نام خداوند را بگویید، هدیه بیاورید و به حضور او بیایید! خداوند را در فرّ قدوسیتش پرستید!» (اول تواریخ ۱۶: ۲۹).

پرستش جزئی از بشریت، بخشی از طبیعت انسان، حتی انسان سقوط کرده است. بدون شک، ما به عنوان موجوداتی خلق شده ایم، که به غیر از آزادی که توسط خداوند به ما داده شده است، مایل هستیم پروردگار را پرستش کنیم زیرا که او را دوست داریم و می دانیم که او شایسته عبادت است. چنین پرستشی می بایستی در دنیای قبل از ورود به گناه هم بسیار متداول بوده باشد، در آفرینشی که هنوز آلوده گناه، مرگ و نیستی نشده بود و انسانها رو در رو با خداوند بودند و با او ارتباط نزدیک داشتند، آفرینشی که تصور آن برای ما که فقط دنیای آلوده به گناه را می شناسیم، دشوار است.

البته که هنوز امروزه در ما نیاز طبیعی به پرستش وجود دارد، اما مانند هر چیز دیگری در این جهان، آن هم بوسیله گناه پیچیده و مبهم و تحریف شده است، بدان معنا که ما به عنوان بشریت می توانیم چیزهای نادرست را پرستش کنیم و یا حتی پروردگار را به روشی که شایسته اوست، پرستش و عبادت نکنیم.

از اینرو، چون پرستش در کانون زندگی مسیحیان قرار دارد، آموزش مسیحی باید با مسئله پرستش مرتبط باشد، و این موضوع درس این هفته ماست.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۴ آبان - ۱۴ نوامبر آماده شوید.

همه ما چیزی را می پرستیم

در ما حسی وجود دارد که بدون شک از ابتدا خداوند در وجود ما تنیده، اما همانند هر چیز دیگری آنهم توسط گناه از اصل خود منحرف شد و آن شوق پرستش است. واضح است که در آغاز ما باید تنها کسی را که شایسته پرستش است و پروردگار و خالق ما می باشد را عبادت می کردیم. اما با سقوط انسان همه چیز تغییر کرد.

اما، بله، همه ما چیزی را می پرستیم، هرچه که می خواهد باشد. این مطلب توضیح می دهد که چرا در طول تاریخ بشر و حتی امروز بشر به پرستش مبادرت ورزیده است. در مصر کهن، برخی از مردم فرعون را می پرستیدند؛ در برخی دوران ها، در سرزمینهای دیگری، مردم مجسمه های ماهی، خدایان چند سر و خدایان و بت های فرضی را می پرستیدند. برخی از مردم خورشید و ماه و ستارگان را پرستش می کردند.

امروزه، بیشتر مردم آنقدر آگاه و پیشرفته هستند که در مقابل مجسمه قورباغه تعظیم نکنند و آنرا نپرستند با این وجود، این بدان معنا نیست که انسانها، حتی انسانهای دنیوی و غیر روحانی چیزهایی مانند موارد ذیل را عبادت نکنند: پول، قدرت، سکس، خودشان، ستارگان راک، هنرپیشه ها، سیاستمداران. هر آنچه را که ما بیشتر از هر چیز دیگری دوست داشته باشیم، و همه توجه خود را به آن متمرکز کنیم، و آنچه را که ما به خاطر آن زندگی می کنیم، همان چیزی است که ما آنرا می پرستیم. دیوید فاستر والس، نویسنده سکولار، هشدار می دهد که اگر چیز اشتباهی را ستایش و پرستش کنیم، «آن چیز شما را زنده زنده می بلعد».

دانیال در باب ۳ در مورد اهمیت عبادت واقعی چه چیزی به ما می آموزد؟

بدیهی است که سه پسر یهودی فرمان دوم (خروج باب ۲۰: ۴ تا ۶) را دقیقاً همانطور که منظور خداوند بود، جدی می گیرند و به جا می آورند. گذشته از این، این فرمان بخشی از ده فرمان است، و درست همطراز با فرمان ممنوعیت قتل، و سرقت و موارد دیگر می باشد. در واقع پرستش و عبادت شایسته آنقدر مهم است که در روزهای آخر، قبل از بازگشت دوباره مسیح، در کانون همه مسائل قرار خواهد داشت. بنابراین، آموزش مسیحی باید شامل تمام مسائل مربوط به پرستش باشد: این به چه معناست، و چگونه باید آنرا انجام دهیم، و چرا این مسئله مهم است، و چه کسی را باید عبادت کنیم؟

مکاشفه باب ۱۴: ۶ تا ۱۲ را بخوانید. این آیات چه چیزی را درباره اهمیت مسئله پرستش در وقایع نهایی قبل از بازگشت دوباره مسیح به ما می آموزند؟

و آنها را برای فرزندان خود روشن سازید

سرانجام مزامیر در عهد عتیق آمد تا نقش مهمی را در زندگی مذهبی اسرائیل کهن بازی کند. آنان اغلب، در زمان عبادت، مخصوصاً در پرستشهای عمومی، دست جمعی همراه با ادوات موسیقی سرود میخواندند که در عهد عتیق چگونگی عبادت عمومی مردم بسیار مهم بود. اسرائیل به عنوان یک جامعه واحد عمل می کرد و آنان همه با هم عبادت می کردند. مزمورها اساساً اشعار و غزلهایی برای سرودخوانی هستند. کلمه عبری برای مزمورها، *Tehillim*، به معنای «سرودهای پرستشی» میباشد. و هنگامیکه ما سرودهای پرستشی را تقدیم خداوند می کنیم، هرکار دیگری که انجام می دهیم، خداوند را ستایش می کنیم. مزمو ۷۸: ۱ تا ۱۷ را بخوانید. پیام مهم این آیات چیست و چگونه با کل مسئله آموزش و پرستش همخوانی دارد؟

نیت و هدف مشخصی در پیام مزمو ۷۸ وجود دارد. [متن قدیمی کینگ جیمز به زبان انگلیسی، در آیه ۲ از عبارت «گفته های تاریک کهن» استفاده کرده که به معنای اسرار کهن یا چیزی است که مرموز و در هاله ابهام قرار دارد. در ترجمه های تفسیری فارسی از عبارات «اسرار، معما، چیزهای پوشیده یا مخفی» استفاده شده است. ویراستار] در آیه ۲، آساف به اینکه چگونه می توانیم «معماهای کهن» را به اشتراک بگذاریم، که ممکن است چیزی مخفی و نامیمون را در ذهن تداعی کند که اینطور نیست، بلکه به مفهوم مبهم و نامشخص است، زیرا که در تاریخ زمانی می آید که وقایع مهم آن به مرور زمان اتفاق می افتد و پس از مدتی آن چیزهایی که مبهم بوده، آشکار می شود. در ترجمه های دیگر، به جای عبارت «تاریک» از «راز» و یا «حقایق شیرین کهن» استفاده شده است. در اینجا نکته این است که در آموزش اسرائیل علاوه بر هر چیز دیگری، آموزش کودکان شامل تعلیم داستانهایی می شد که خداوند چگونه با قوم برگزیده خود سر و کار دارد.

مزمو ۷۸: ۶ تا ۱۷ را بخوانید. چه درس های ویژه ای را آنها به فرزندانشان می آموختند؟ و هدف نهایی این تعلیم چه بود؟

از جمله اهداف آموزش که در این متون مشاهده میشود اینست که کودکان می آموختند تا به خداوند اعتماد کنند و احکام او را نگاه دارند. چگونه ممکن است آیه ای مانند مکاشفه ۱۴: ۱۲ بازتاب دهنده همان ایده برای امروز ما باشد؟

در روح و حقیقت

یکی از شگفت‌انگیزترین روایت‌ها در عهدجدید این است که عیسی چگونه به جانهای رنج‌دیده خدمت می‌کرد که در داستان عیسی و زن در کنار چاه یافت می‌شود.

یوحنا ۴: ۷ تا ۲۶ را بخوانید. عیسی در اینجا در باره عبادت چه چیزی به زن می‌گوید؟ در واقع، چه چیزی منجر به شروع بحث آنها در باره موضوع پرستش می‌شود؟

اگرچه زن سعی می‌کند تا موضوع را با صحبت کردن در مورد عبادت تغییر دهد، عیسی از تاکتیک او استفاده می‌کند تا حقایق عمیق و مهمی را درباره عبادت و آنچه مربوط به آنست را بیان کند. شاید مهمترین هدف حیاتی ما در زندگی همان چیزی باشد که او در یوحنا ۴: ۲۴ گفته است: «خدا روح است، و هر که او را می‌پرستد باید با روح و راستی عبادت نماید». عبادت واقعی پروردگار باید «در روح» باشد، یعنی ناشی از عشق به خدا و تجربه شناختن شخصی او باشد. «تنها مذهبی از جانب خداست که انسان را بسوی خدا سوق دهد. به منظور خدمت درست به او، ما باید تولد تازه در روح القدس داشته باشیم. این امر نیاز به تقدس و تطهیر قلب و تازگی ذهن دارد، تا به ما توانایی شناخت و دوست داشتن خدا را بدهد. این امر به ما اشتیاق و تمایل اطاعت کامل از همه الزامات او را خواهد بخشید. و این عبادت واقعیست زیرا ثمره کار روح القدس است» (الن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحه ۱۸۹).

در عین حال، پرستش باید «در روح حقیقت» باشد. ما باید علم صحیح شناخت خدا را داشته باشیم، اینکه او کیست و چه چیزی از ما می‌خواهد. به عبارت دیگر، اصول عبادی نیز درگیر این مسئله است. (برای مثال، چقدر پرمعناست که بدانیم ما خدایی را عبادت می‌کنیم که انسان را تا ابد در آتش جهنم نمی‌سوزاند).

بنابراین، در اینجا دو عامل مهم در عبادت را می‌بینیم: تجربه ای که از شناخت و اطاعت خدا ناشی شود و حقایق آشکاری را در مورد خداوند برای ما هویدا می‌کند. روح بدون حقیقت می‌تواند به گرایشهای عاطفی سطحی منجر شود که بیش از هر چیز دیگری بر روی عواطف ناپایدار و بی ثبات بنا میشود. در مقابل، حقیقت بدون روح می‌تواند به یک ظاهرپرستی بی جان منجر شود. از اینرو، ما به هر دو نیاز داریم.

چگونه می‌توانید به کسی پیاموزید که «در روح و حقیقت» پرستش کند؟
در چه مواردی ممکن است یک فرد بر روی یکی بیش از دیگری تاکید کند؟

زیبائی قدوسیت

اول تواریخ باب ۱۶: ۱ تا ۳۶ را بخوانید. سعی کنید این صحنه را در ذهن خود مجسم کنید. آیا شما آن را صحنه ای جدی و با ابهت، ترسناک، و یا جشن و شادمانی تصور می کنید؟ در چه صورتی می تواند ترکیبی از هر دو باشد؟ از این صحنه در مورد عبادت چه می توانیم بیاموزیم و چگونه باید تعلیم دهیم و حتی عبادت را تجربه کنیم؟

خیمه محل عبادت بود، جایی که خداوند در اسرائیل کهن در آنجا ساکن بود، جایی که نقشه نجات برای آنان آشکار شد. پس اساس عبادت و آموزش پرستش باید عیسی مسیح و نقشه نجات بشریت باشد، که همه از پیش در مراسم خیمه پیش بینی شده بود. هر کار دیگری که خداوند برای ما انجام داده است، شایسته تکریم و ستایش است، همه اینها بدون امید به حیات ابدی که توسط مرگ فداکارانه مسیح به نیابت از ما بر روی صلیب به ما هدیه داده شده است، بی معنا و بی ارزش است. همچنین به قدرت «بشارت» در آیه توجه کنید: تمام دنیا باید درباره خدای اسرائیل آگاهی می یافت.

به اول تواریخ باب ۱۶: ۲۹ نگاه کنید: «وصف جلال نام خداوند را بگویید! هدیه بیاورید و به حضور او بیاورید! خداوند را در فرّ قدوسیتش پرستید!» شکوه [فرّ] قدوسیت؟ این به چه معنا می تواند باشد؟

در وهله نخست بیانیدید که گناه چقدر زشت، مضر، و منحط کننده است. همچنین، برای ما الان دشوار است تا تصور کنیم که مراسم پرستشی قومهای اطراف اسرائیل چقدر اهریمنی، دهشتناک و منحط بوده است، مناسکی که شامل همه چیز می شده است از جمله قربانی کردن کودکان. و بدون تردید، این مسائل منعکس کننده و آشکار کننده آنچه بود که آنان پرستش می کردند.

در مقابل، اسرائیل کهن قرار بود تا به دور از آداب و رسوم شیطانی ملت های پیرامون خود بوده و قومی مقدس باشد. آنها می بایستی با تمامی دل، جان و روح مقدس باشند؛ این همان چیزی است که در پیشگاه خداوند به عبادات آنان معنا و مفهوم و شکوه می بخشد. بارها، بارها انبیا عهد عتیق مردمان فاسد و گناهکار را که خداوند را با قلبهای دور از او پرستش می کردند، توبیخ و نکوهش کردند.

بت پرستی در آموزش

اسرائیل کهن توسط مردمانی بسیار مذهبی احاطه شده بود، مردم چنان خود را وقف پرستش و عبادات خدایان خود کرده بودند که حتی فرزندان خود را هم برای آنها قربانی می کردند. این تسلیم و سرسپردگی بود، اینطور نیست؟

از اینرو، پرستش و عبادت واقعی خدای حقیقی، بخش مهمی از طرح محافظت یهودیان از گرفتار شدن در دام بت پرستی و عبادات دروغین ملت های پیرامون آنان بود. با اینحال، با وجود همه هشدارها، آنها همچنان به عبادت خدایان دروغین و بت ها که بطور ویژه در موردشان به آنها هشدار داده شده بود، ادامه می دادند.

امروزه، در مورد ما چگونه است؟ چرا پرستش خدای حقیقی و بازگویی آنچه که او برای ما انجام داده، به ویژه در مواجهه با خطرات بت پرستی مدرن بسیار مهم است؟

مرقس باب ۷: ۱ تا ۱۳ را بخوانید. چه اصلی در آیات ۷ تا ۹ وجود دارد که می تواند امروزه در زمینه آموزش مسیحی و خطر تعلیمات دروغین بکار رود که از دنیا گرفته شده است، که می تواند تأثیرات منفی و مخربی بر روی عملکرد ایمان ما داشته باشد؟

بسیاری از ایده های متفکرانه دنیای امروز بر اساس دیدگاه طبیعت گرایانه واقعیت می باشد. بسیاری از رشته هایی که امروزه در مدارس تدریس می شوند از این دیدگاه مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرند، که اغلب بدان مفهوم است که آنچه آموزش داده می شود متناقض با کتاب مقدس است. ما می توانیم اغوا شده و به پرستش ایده هایی بپردازیم که نظریه پردازی و استدلال نظری بر روی آنها شده و برای عبادت ارائه شده اند. همچنین می توانیم از ذهن های درخشان فیلسوفان، دانشمندان و ریاضیدانان که این نظریه ها از آنان تراوش میشود، الهام بگیریم. و مشکل اینجاست که اغلب این نظریه ها می تواند مغایر با کتاب مقدس باشد، اما به دلیل اینکه اکنون آنها را آموزش می دهند و اعتقاد بر اینست که صحیح هستند، مردم سعی دارند تا آنها را در تعلیم مسیحی بگنجانند. با اینحال، تنها کاری که می تواند انجام دهد، سازش و مصالحه ایمان است که اغلب به معنای تحریف کتاب مقدس است که تلاش می کند تا کتاب مقدس را با نظریه های فعلی تطبیق دهد.

برخی از عقاید رایج امروز که مغایر عقاید کتاب مقدس هستند، چیست؟ و چگونه می توانیم به عنوان یک کلیسا از خود و سیستم تعلیمی خودمان در برابر آن محافظت کنیم؟

تفکری فراتر: «قلب بیش از همه چیز فریبنده و بسیار نابکار و فاسد است. اساتید مذهبی مایل نیستند که خود را آزموده و بسنجند تا ببینند آیا در ایمان هستند، و این یک واقعیت هولناک است که بسیاری به یک امید کاذب دل می بندند. برخی از آنها به یک تجربه قدیمی که سالها پیش در خداوند داشته اند، تکیه می کنند؛ اما وقتی زمان کنکاش قلب فرا می رسد، وقتی باید یک تجربه روزانه داشته باشند، چیزی برای برقراری ارتباط ندارند. به نظر می رسد، آنان فکر می کنند اقرار به حقیقت، آنان را نجات خواهد داد. هنگامیکه گناهان که خداوند از آنان بیزار است، تسلیم و مقهور شوند، عیسی در شما ساکن خواهد شد و او با شما و شما با او شام خواهید خورد (مکاشفه ۳: ۲۰). سپس شما قوت الهی را از عیسی بدست خواهید آورد، و در او رشد می کنید و قادر خواهید بود تا با موفقیت بگویند، متبارک باد خدایی که از طریق خداوند ما عیسی مسیح ما را کامروا ساخت. این بیشتر می توانست خداوند را خرسند کند اگر اساتید مذهبی [که نه سرد و نه گرم هستند] هرگز با نام او، از او دم نمی زدند. آنها دائماً همطراز پیروان وفاودار و با ایمان مسیح سنجیده میشوند. آنها مانع دیده شدن کافران میشوند، و فرشتگان شیطانی از وجود آنان سرمست و شاد هستند، و فرشتگان خدا تعلیم نادرست آنان را شماتت می کنند. اینها مانند لعنت و بلای موجود در خانه یا بیرون از آن هستند. آنها با لبهای خود و بیاناتشان به خدا نزدیک می شوند، در حالیکه قلبهای آنها از او دور است» (الن جی وایت، عطایای روحانی، جلد ۲، صفحه ۲۲۷).

سؤالاتی برای بحث

۱. از مرقس ۷: ۱ تا ۱۳، آموختیم که عبادت دروغین، از قلب نشأت می گیرد. اگر عبادت از قلب انسان بر نیاید، خداوند عبادتی که فقط زبانی باشد را در نظر نمی گیرد. چرا انجیل و داستان مرگ عیسی به نیابت از ما قدرتمندترین راه برای آماده کردن قلبها برای دوست داشتن حقیقی خداوند می باشد؟

۲. بر روی عقیده پرستش خدا «با روح و با حقیقت» بیاندیشید. آیا ممکن است که عبادت واقعی فقط انجام یکی از این دو روش باشد و یا انجام هر دو را می طلبد؟ اگر چنین است، چرا؟

۲. بله، قلبهای ما نیاز دارد در پرستش حقیقی خداوند درست و پاک باشد، اما این به چه معناست؟ آیا باید قبل از شروع عبادت خداوند صبر کنید تا با یک زندگی کاملاً بدون خطا با خداوند ارتباط برقرار کنید؟ به عبارت دیگر، چگونه پرستش واقعی می تواند کمک کند تا قلب شما در ارتباط با خداوند در جایگاه مناسب و شایسته قرار گیرد؟